



شهر آمل

واحد انسان شناسی شهری

استاد دکتر ناصر فکوهی

دانشجوی کارشناسی ارشد

زهرا رضایی

تابستان ۱۳۹۷

مقدمه:

شهر آمل به عنوان یکی از قدیمی ترین شهرهای تاریخی و باستانی مازندران شناخته می شود که اساتید، دانشمندان و افراد معروفی از این شهر به دنیا آمده اند. در طی زمان های متفاوت تغییرات فرهنگی، اجتماعی و شهری مهمی داشته و از این لحاظ مورد مناسبی جهت بررسی به عنوان موضوع انسان شناسی می باشد. پژوهش ارائه شده در قالب یک بررسی تاریخی- اسنادی صورت پذیرفته است.

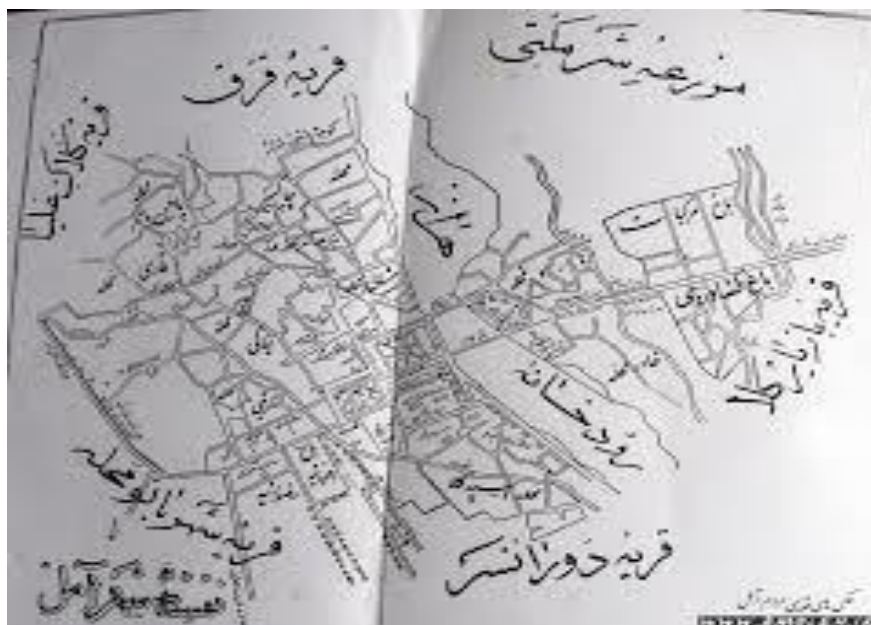
لازم به ذکر است با توجه به گستردگی موضوع، مطالب ارائه شده اجمالی و نگاهی گذرا به موقعیت خاص "آمل" می باشد.

وجه تسمیه و تاریخچه:

نام یکی از اقوام ساکن کرانه جنوبی دریای مازندران آمارد بوده است. نام شهر آمل در مازندران را دگرگون شده نام آمارد دانسته اند. واژه آمل که گونه دیگر آن آموی است، احتمالاً از قبیله باستانی (آ) مردها یا (آ) ماردها گرفته شده است. مورخان باستانی غربی نام این قبیله را مردی یا آمردی آورده اند. آماردها قومی نیرومند و جنگجو بوده اند و ناحیه فعلی آمل را به عنوان مرکز خود انتخاب نموده و نام خود را بر نهادند و بعدها واژه «آماردها» به سبب کثرت تلفظ به آملد، آمرد و «آمل» بدل شد. نیز وجه تسمیه این شهر به سبب بنیان گذار خود «آمله» نیز می تواند باشد، چنان که در تاریخ طبرستان ابن اسفندیار آمده است و در جای دیگر پیرنیا می گوید این قوم مهاجر بادیه نشین بوده اند که به تاخت و تاز در اراضی اقوام دیگر می پرداختند و به روزگار کوروش تا حوالی ماد پراکنده گردیده بودند، آمردها در حدود سه هزار سال پیش از میلاد نیز در حال پیدا نمودن سرزمین بوده اند. در اطلس شناسی آمده است، آمل از سرزمین های قدیمی بوده و دیرینگی آن به درازای بلندی می رسد و مردمانش از آمردها هستند که اولین قوم در کنار دریای پارس اند.

این شهر معروف به شهر علم و فلسفه و تاریخ، شهر بام ایران، شهر هزار سنگر شهر مادها و اولین شهر علویان است. واژه آمل، حرف «آ» در زبان ایرانیان قدیم کاربرد «ضد» داشته و «مُل» به معنی مرگ و «آمل» ترکیبی از ضد مرگ مانند امرداد و مرداد است. آمل به معنی بی مرگ است یعنی تو را مرگ مباد. هفت شهر، امرداد، آموی و آمله نیز دیگر نام های آمل در طول تاریخ بوده است. بام ایران اشاره به دماوند است که در بخش لاریجان شهرستان آمل قرار

دارد. همچنین آملی به عنوان دروازه ورود شمال ایران نیز شناخته می‌شود. بر روی سکه‌های ساسانی، نام شهرهایی که سکه در آن‌جا زده شده با علامت اختصاری مشخص گردیده‌است، ام علامت شهر آمل بوده‌است.



فرهنگ تاریخی آمل:

با وجود مهاجرین و مهاجمین و تاریخ، آمل توانسته قومیت و بومیت خود را حفظ کند (جامعه شناسی تاریخی آمل صفحه ۱۸ و ۱۹)

حفظ فرهنگ منطقه ای نوع کالبد شناختی مردم آمل و آه (منطقه ای در دماوند) به عنوان امر تاریخی مصون از عوارض بوده است. آمل در عهد اشکانیان بنیان نهاده شده و اطلاق آمل ساتراپ به وسیله داریوش اول اثبات شده است. تاریخ نگاران از جمله محمد طبری، موقعیت شهر آمل را اثبات و احداث آن را به اشکانیان نسبت می دهد. فرهنگ مازندران بر اساس دام، زراعت، صنایع دستی، جنگاوری و ارتباطات درونی گروهی شکل گرفته بود. نمادهای نور، آب، ابر، زیست بوم مناطق، ورود مهاجرین و وصلت برون گروهی موجب تشکیل گروه گرایي گردید.

طایفه:

تا پیش از شکل گرفتن مدیریت نوین جامعه شهری و تأسیس سازمان های اجتماعی و اداری، طایفه تنها مرجع رسیدگی به اعضای خود بود. طایفه می توانست از پویایی و دینامیسم اجتماعی خود بهره گیرد و نوعی همبستگی فراگیر سنتی به وجود آورد. مشترکات موجود میان اعضای طایفه، ضامن دوام تاریخ، شجره، زادگاه و روابط میان آن هاست و تا سازوکارهای زندگی روزمره جلو می رود. طایفه در دوره جدید هم قدرت انزوایی دارد و هم قدرت ارتباطی، با این حال، نباید از نظر دورداشت که تاریخ خاندان در آمل هیچگاه نتوانسته از فضای طایفه خارج شود. شاخصه های شناخت طوایف و قالب شناسایی ها، مرجع و اعتبار اشخاص به امنیت و نمایندگی بودن طایفه، حفظ روابط و قواعد و گرایش شغلی و قبضه کردن سیاست و قدرت خدماتی، آناتومی و ریخت شناسی طایفه، شخصیت و کاراکتر و خاطرات تشخیص خودی فرهنگ خاص ویژه هویت یابی و پروسه طایفه سازی، عصبیت و وابستگی، تشبه حسنین، خود را معادل طایفه دانستن، نزاع بر سر آب، خاک و دوام حفظ آیین و رسوم طایفه به خصومت می انجامد.

نقش های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی طایفه در آمل قدیم به عنوان نماد، مظهر و نقطه اتصال اعضا و سازنده اسطوره ها بوده است. الزام کمک به طایفه در هنگام نیاز، حق بهره گیری و پذیرش مهاجرین و زیر طایفه، انتساب شغلی، قدرت بخشی، شناسنامه سازی و غیره را در بر می گیرد. چنانکه وقتی بازار و تولید در آمل کساد می شد، طایفه نمی توانست در جای خود برقرار باشد و مجبور به کوچ از منطقه جغرافیایی خود می شد.

امانوئل تری جوامع معطوف بر طایفه را چنین بررسی می کند:

طایفه، تحقق اجتماعی تولیدی است که منطبق بر همکاری گسترده است. طایفه گروهی است که از مبنای واقعی یا خیالی مذکر یا مونث سرچشمه می گیرند و تبار و تیره را می سازند. طایفه یا تیره هسته اصلی گروه محلی است و روابط گروه های محلی با یکدیگر را ساماندهی می کند و البته اقتدار سیاسی مرکزی در آن وجود ندارد. در آمل استفاده از واژه طایفه عمومیت دارد ولی گاهی در حوزه درون طایفه ای از واژه ی تبار هم بهره می جویند.

سیمون کلمن و هلن واتسون: تبار را پیوند و ارتباط خونی به یک نیای مشترک از مادر بطنی یا از پشت پدر صلبی نامیده اند. شجره، یادآور زادگاه، آمیزش، تاریخ، فرهنگ و شغل می باشد. گاهی تبار و طایفه هر دو یک جا و در ساحت معنایی نزدیکی به کار می روند.

طوایف معروف آمل عبارتند از:

اسکی، نیاکی، شاهاندشتی، دلارستاقی، مشایی، آهی، آملی، نوری، ایرایی و...

نظام خویشاوندی، مکان، دین و سیاست:

رابطه نظام خویشاوندی مکان و دین و سیاست در فرهنگ آمل را رئیس خانه یا ماوند (Maband پورشاهی)، کدخدا (wisbed ویس بد) رئیس قوم یا طایفه (Zilobed زیلوبد) و فرماندار شهر یا (Dehyobed دهیوبد) همیشه در فرهنگ و نظام خانوادگی و اجتماعی آمل نقش داشتند. از تاریخ منطقه و مردم شناسی طایفه های بومی و ناخالصی های جمعیت شهر و منطقه چنین بر می آید که مردم مرتباً در حال مهاجرت بوده و از چهارده طایفه اصیل آمل در حال حاضر به زحمت یکصد و چهل خانوار یا حدود ششصد نفر قابل شناسایی اند که در مناسبت ها یا خاک سپاری ها حضور به هم می رسانند.

جالب توجه است به رغم تغییر و تحولات و هم جوشی با غیر بومیان، عادات فرهنگی طایفه های اصیل آمل قرن ها ثابت مانده است.

ریشه طوایف قدیمی:

شهر آمل در طول تاریخ به واسطه عوارض و مصائب بارها جمعیت و دارایی آن از بین رفته است ولی زندگی شهری به وسیله مهاجرین و باقی ماندگان جمعیت دوباره تجدید شده است.

موقعیت جغرافیایی در آمل و لاریجان بر نظام خویشاوندی تأکید داشته است. طایفه ها ریشه روستایی داشته اند ولی رشد آن ها در شهر بوده است.

طوایف معروف مقیم در روستاها که با استفاده از کوچ کردن و کسب قدرت، هویت تاریخی خود را حفظ کرده اند عبارتند از:

- ۱- طایفه شیرامه لیتکوه که با ده قرن سابقه در ورود اولین دسته از اعراب مهاجم دارند. مردمی سخت کوش هستند که تحصیل کردگان و صاحبان مشاغل مهم را در شهر شامل می شود.
- ۲- طایفه ملکشاهی یا فیل بند
- ۳- طایفه سنگچال
- ۴- طایفه دردان امیری

- ۵- مغول در رزن دلارستاق
- ۶- کردها و لرها
- ۷- شاهزادگان فارس
- ۸- مهاجرین فارس و عراقی
- ۹- گیل، گرجی، ازبک و جغتو که در نور و نوا تقسیم شدند.
- ۱۰- خراسانی ها با خصلت جنگاوری به افغان های وابسته به طوایف قندهاری و بربری
- ۱۱- سادات که عموماً عرب هستند.

طوایف و مشاغل:

در آمل شناخت زمینه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی، آناتومی و نمادی طوایف از طریق کسب و کار میسر است.

طایفه نیایی: غالباً به عطاری و برنج فروشی اشتغال داشتند و اهل سخن و قلم بودند.

طایفه نوایی: فعالیت هایی مانند معماری، نویسندگی، منشی گری، فعالیت های سیاسی را به این طایفه نسبت می دهند.

طایفه آملی: مشاغلی چون بزازی و حشم داری و ملک داری داشتند و تحرک جغرافیایی و اجتماعی داشتند.



منطقه دلارستاق به عنوان بخش مرتفع مقرر ساکنینی بود که به دلیل جنگ، بیماری و سیل از آمل کوچ می کردند و به نوعی گنجینه های علمی و فرهنگی را در خود حفظ کرده اند. ملاتبار های بهرستاق و دلارستاق در ارتقاء منزلت طایفگی به دلیل تسلط و آگاهی از علوم قدیم موثر بودند.

اسکی ها و تلیکسری ها: از اعقاب خوانین و زمین داران بودند.

شاهاندشت: اینان و جمعی از نیاکی ها جزو سادات بودند و از نظر نمثیلات ممتاز بودند.

آخایی ها فرهنگ ساز بودند. سکونت این طوایف هم در شهر و اطراف آن بر اساس مشاغل شکل می گرفت. مثلاً نیاکی ها به واسطه معاملات در منطقه پایین بازار و مرکز شهر ساکن بودند.

مهم ترین اوصاف نمادین طبق بررسی های انجام شده بر روی طایفه آملی و اسکی، آنان در درون قانون شکن و در بیرون قانون گذارند.

اعضای طایفه اصلی را اهل سیاست و اسکی ها را ریاست طلب می دانند. طوایف مشایی، نیاکی، و نوایی در قدرت های انتخاب، کارایی سیاسی و تبیین امور سیاسی جامعه پویا و توانا هستند.

برای نمونه؛ جایگاه مخصوص طایفه آملی با اماکنی همچون مساجد، حمام، تکیه، گورستان، بازار و کاروانسرا، مجموعه ای کامل از بافت شهری را تشکیل می داد که مشابه آن برای طوایف دیگر آمل وجود نداشت. بر همین اساس طایفه آملی، طایفه نظام مند شهر و شهری بودن شاخصه ای برای تکمیل سازمان درون شهری آن محسوب می شود.

شغل اصلی مردم در این طایفه تجارب است و مشغولیات ذهنی آن ها بازی های سیاست محور، از جمله بازی "شاه وزیر" است. طایفه ای شهری بودند که سمبل آن ها "کارد" بود. از نظر قدرت اجتماعی، به عنوان یک جامعه بازشناخته و وصلت آن ها با همه طوایف، نشانگر سازگاری آنان با دیگران است.

منظور از طایفه آملی، ساکنان اصلی آمل اند که از تداخل با مهاجرین خراسانی و شیرازی و سایر شهرهای مازندران بر کنار مانده و از ویژگی های خاص آن ها، قد متوسط، کله و چشم و باسن درشت است. طایفه آملی ها در امور خیریه به ویژه احداث مدرسه پیشقدم هستند.



اسکی ها به واسطه داشتن روستاها در فضای حاشیه تری از شهر سکنی داشتند. در عین حال عبارات و مثل هایی در ارتباط با طوایف در فرهنگ آملی وجود دارد. مثلاً:

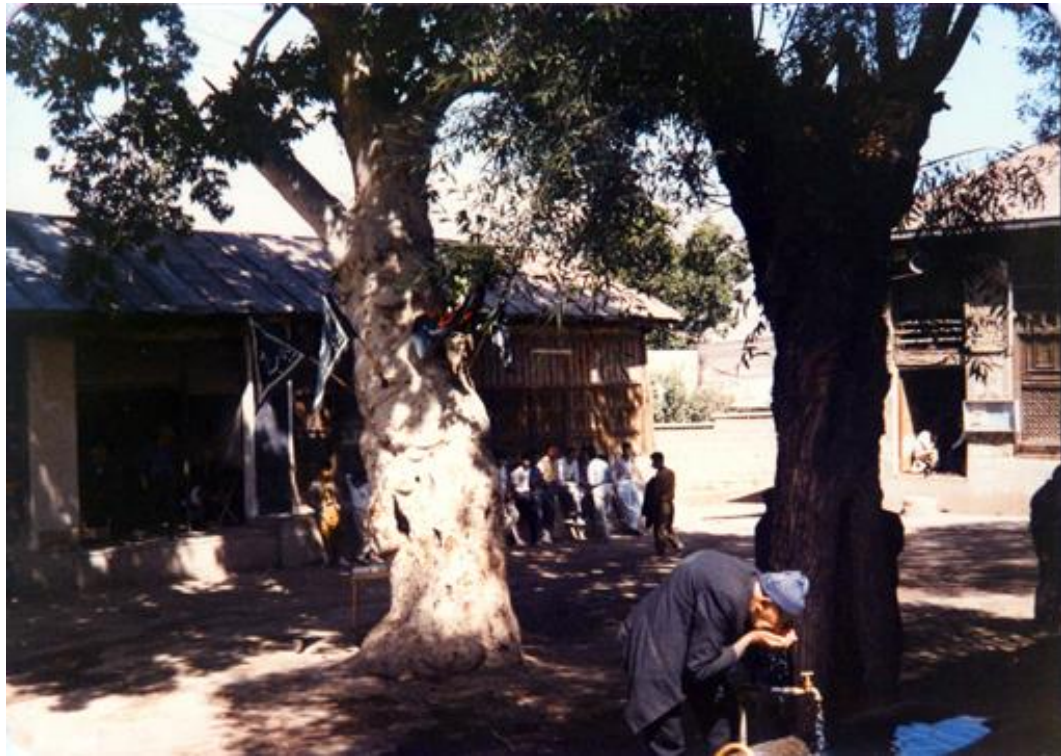
- طایفه آملی ها، پیش از ورود به جنگ، شمشیر خود را تیز نمی کنند.
- به صلح آملی ها امیدوار نباش
- هرگاه نوایی به گریه اوفتاد از او چیزی بخواه و هر گاه می خندد، چیزی نخواه زیرا در آن هنگام در حال نقشه کشیدن است.
- به قسم نیاکی اعتماد نکن
- بهرستانی به دنبال بافتن و یا یافتن ریسمان است.
- بر مشایی شمشیر نکش زیرا او با سیاست عقوبت بدی را رقم می زند.
- چلا چهل چشمه دارد ولی یک جامه در آن پاک نمی شود.

آلبومی از خاستگاه برخی طایفه ها:

در این مجموعه از عکس ها، محل استقرار اقوام در کوهستان ها و محل تجمع آن ها در محله های بعضی از طوایف ارائه شده است:

نوابی ها:





شاهاندشتی ها:



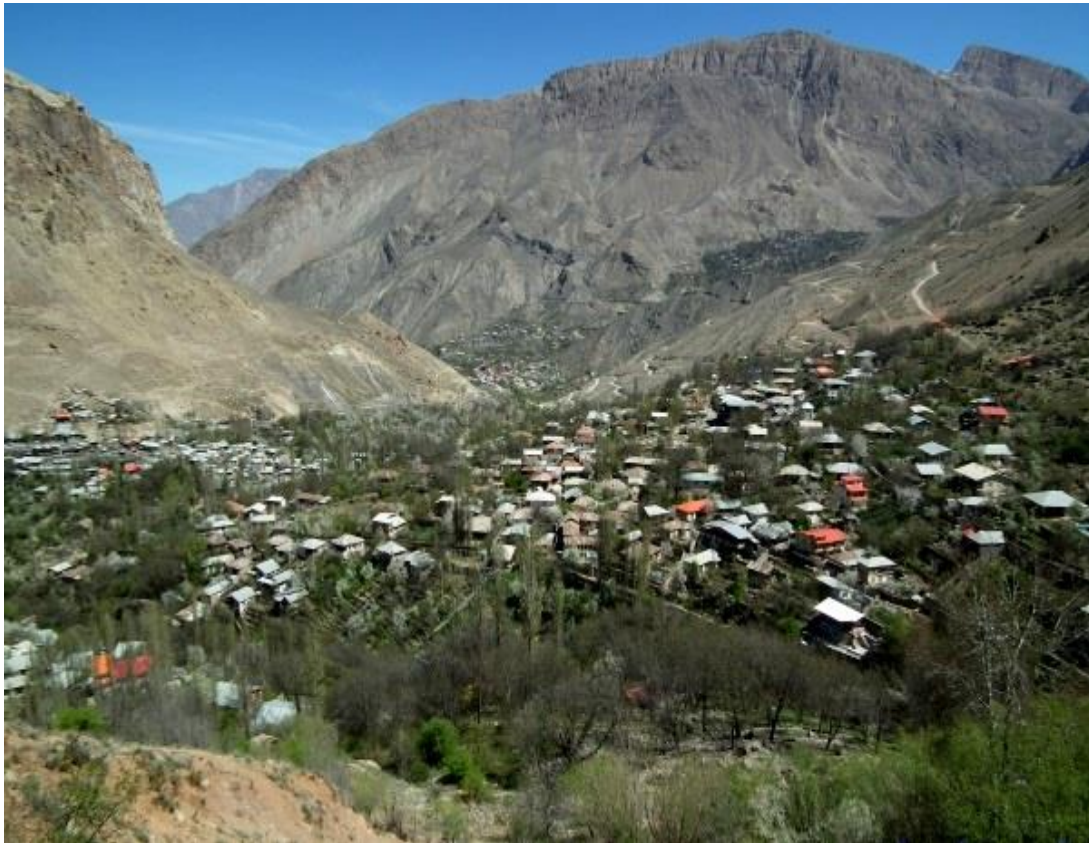


امیری ها:



photo: narges karimi

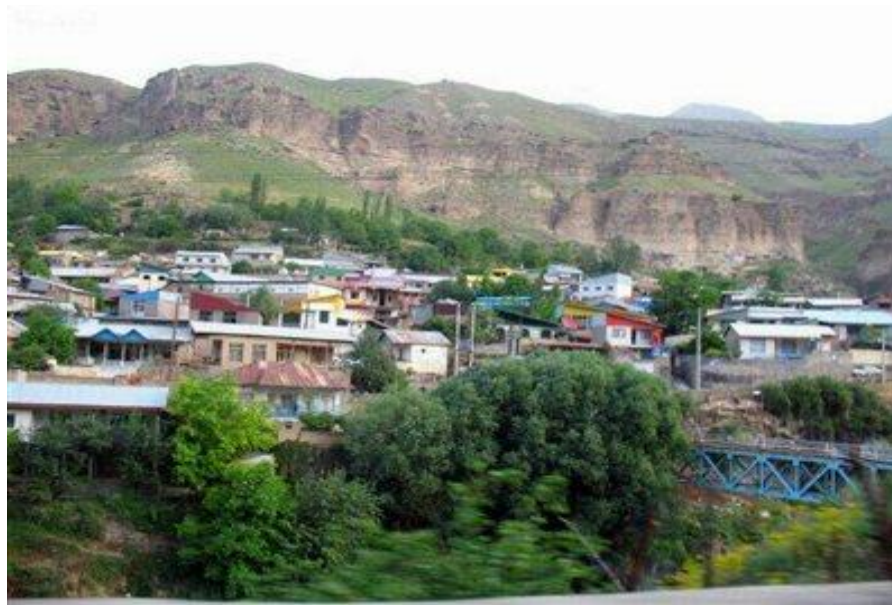
Kamal news



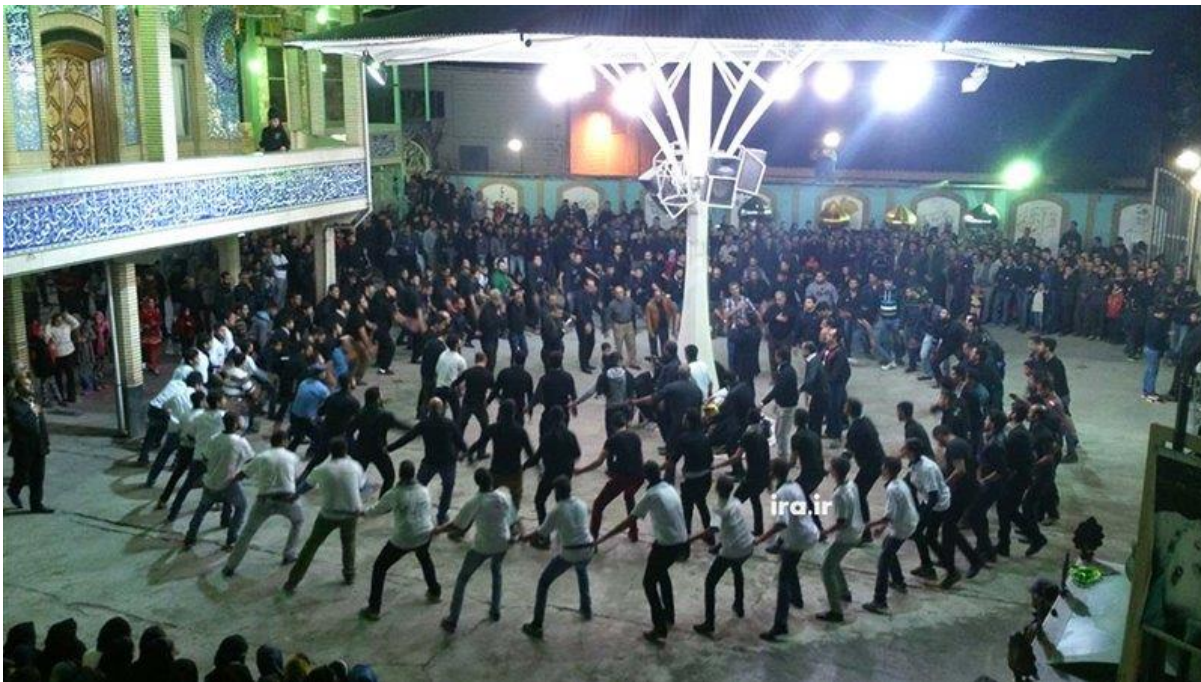
دلارستانی ها:



اسکی ہا:



ایرایی ها:



وضعیت آموزش و پرورش آمل:

تاریخ، فرهنگ و به عبارتی تاریخ آموزش و پرورش بیانگر چگونگی اندیشه و دستیابی تمدن و فرهنگ مردم هر سرزمین است. فرزاندگی و خردورزی در سایه آموزش و پرورش به دست می آید. پیشینه و سرگذشت آموزش ها و نهادهای آموزشی در شهرها و آبادی های پیشین و پسین البرز کوه، از روزگاران دور تا پایان کار ساسانیان، به جز نشانه های اندک عموماً ناپیدا و پوشیده است. در ترجمه مختصرالبلدان، نوشته ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی متوفی ۳۶۵ قمری آمده است؛ شهر مرکزی طبرستان آمل است و آن جایگاه والیان است و خود بزرگترین شهر طبرستان که اندر وی علمای بسیارند به هر علمی. از عبارات فوق به روشنی بر می آید که آمل در قرون وسطی به ویژه قرن های چهارم و پنجم در ستیغ قله دانش ایران زمین قرار داشته است.



اواخر دهه ۳۰ دیستان فرهنگ آمل (تکیه اسک) آقایان: داوود عابدی زاد
- امیر قاسمی - رئیس زاده - ترحمی - درزی - صالحی - مختاری - فدایی - ادیب
در مکتب شناسایی شده اند

مکتب:

بدون تردید نخستین نهاد و مرکزی که کودکان برای تعلیم و تربیت بدان قدم می گذاشته اند مکتب بوده است که برای آموختن، خواندن و نوشتن و آموزش قرآن و موضوعات ابتدایی بوده است و به کسی که در مکتب خانه ها آموزش می داده مکتب دار "ادیب" معلم و مودب می گفتند.

در مکتب به اخلاقیات توجه می شده است و توصیه به رعایت احترام پدر و مادر، نیکی به والدین، سفارش به خواندن نماز، پرهیز از سخنان زشت و کارهای ناصواب و بازداشتن از حفظ اشعار سخیف از مسائل مهم در مکاتب بود که مورد توجه محسوب بوده است.

از مراکز مهم دیگر در نهاد آموزش و پرورش در تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی مساجد بودند. نظر به تأثیر فوق العاده مذهب در اخلاق و رفتار گروندگان، حکام مسلمان با تأسیس مسجد و تعلیم دین، تفوق و تسلط خود را بر روح و جسم مردم تأمین می کردند. بنابراین از لحاظ دنیوی نیز علاقه مند به تأسیس مسجد بودند. (صدیق، ۱۳۴۷-۳۸۰)

در این شهر مکاتب، مساجد، مدارس، خانقاه ها و دیگر نهادهای آموزشی به کار آموزش و پرورش شاگردان می پرداخته اند. مدرسه ای که ناصرالحق از علویان طبرستان (حکومت ۳۰۴-۳۰۱ ق) در شهر آمل پایه گذاری کرد را می توان نخستین مدرسه در تاریخ آموزش ایران اسلامی تلقی کرد. علاوه بر این، مدرسه نظامیه آمل در کنار چند مدرسه ای که خواجه نظام الملک طوسی (متوفی ۴۸۵ ق) احداث کرد مدت ها به حیات خود ادامه داد. وجود چنین مراکز و نهادهایی، آمل را در کنار شهرهای بزرگی چون نیشابور، شیراز و اصفهان قرار داد که در آسمان فرهنگ و تمدن ایران اسلامی درخشیده اند و ستارگان پرفروغی را پرورش داده اند.

هنگام بررسی احوال و زندگانی سیخ ابوالعباس قصاب آملی، میتوان فهمید که این دیار مهد پرورش علما و فضیله دین و علم بوده است. چرا که همواره افرادی به خانقاه و مکتب این دانشمند بزرگ لیتکوه آمد و شد داشتن و از سفره دانش او لقمه ای بر می داشتند.

مدارس جدید در آمل:

به دنبال تحولات و تغییرات اجتماعی در تهران و شهرهای دیگر ایران در قالب افکار آزادی خواهانه و عدالت جویانه، نخبگان و دلسوزان را وا داشت تا به فکر ایجاد مدارس جدید باشند. در آمل و از میان طوایف مختلف برای نخستین بار اندیشه آزادی خواهی و مشروطه طلبی در تعدادی از افراد طایفه نیاکی نمایان شد. این طایفه به علت اشتغال به کارهای تجاری و اقتصادی و ارتباط با تهران و دماوند از یک سو و مشهدسر (بابلسر)، باکو و ماورای قفقاز از سوی دیگر، زودتر از دیگران فکر مشروطیت را پذیرفتند و برای آن تلاش و تبلیغ کردند. پیشگامان این حرکت سید حسن عطار، سید مسلم عقیلی و سید ابوالحسن عطاریان بودند. دو نفر داول شریک تجاری هم بودند و نفر سوم متفکر اصلی آنان به حساب می آمد. این افراد با مشروطه خواهان و نویسندگان روزنامه ها پیوند نزدیک داشتند. از تهران روزنامه های هوادار مشروطه را به آمل می آوردند و به تشویق مردم شهر، نسبت به مشروطه می پرداختند و خود آن ها روزنامه ای به نام "نصایح" انتشار می دادند که موضوعات اصلی آن تبلیغ برای آزادی خواهی، مبارزه شدید با رباخواران و رباخواری، انتقاد فراوان از ریاکاری و ریاکاران، بیان محاسن اجرای دستورات دین مبین اسلام و پیروی از سنن برگزیده اولیای دین بوده این افراد با بهره مندی از تجارب دیگران دریافتند که برای رسیدن به آرزوهای خود، راهی جز بیدار کردن و با سواد کردن عمومی ندارند و این کار را لزوماً با ایجاد مدارس جدید باید آغاز کنند.

ایشان با همت و تلاش اولین مدرسه جدید را در "نیاکی محله" جنب خانه مسکونی سید حسن عطار، متعلق به شیخ محمد علی گزانه ای با سه کلاس و به نام "مدرسه ملی اسلامی" تأسیس کردند و برای اداره مدرسه به تهران رفتند و ضمن مشورت با دوستان و همفکران خویش توانستند با دو برادر به نام های حاجی خان و محمود خان گلپایگانی قراردادی منعقد کنند. این مدرسه با مدیریت حاجی خان و معلمی محمود خان در سال ۱۲۸۴ شمسی یعنی یک سال پیش از پیروزی انقلاب مشروطه، افتتاح و شروع به کار کرد. اما بنیان مدرسه از آن جایی که در روزنامه خود ریاکاران و رباخواران را به شدت مورد حمله و انتقاد قرار می دادند، گرفتار عکس العمل آنها شدند. با اشاعه تهمت ها و نسبت دادن کفر و بی دینی به بنیان مدرسه، مانع فعالیت و ادامه کار مدرسه شدند و کار را به جایی رساندند که برادران گلپایگانی که نخستین معلمان مدرسه جدید آمل بودند از ترس، آمل و مدرسه را رها کردند و مدرسه عملاً تعطیل شد.

بنیان گذران مدرسه از پا ننشستند و دو سال بعد مجدداً با رفتن به تهران و عقد قرارداد با برادران "پستا" که تعلق خاطر سببی با مردم آمل داشتند مدرسه دوباره فعال شد و این بار مکان مدرسه را به مسجد سبزه میدان انتقال دادند و کلاس چهارم را به آن افزودند. اسماعیل خان و هادی خان پستا با اشتیاق فراوان به آمل آمدند و با دعوت از مرحوم سید محمد علی حکیمی به عنوان معلم، کار تدریس و آموزش را ادامه دادند. این بار از حمایت بی دریغ مردم شهر به ویژه طایفه نیاکی بهره منده می شدند.

ولی بعد از مدت کوتاهی با بنیان مدرسه و ایراد نسبت های ناروا به آن ها، عرصه ی خدمت را بر برادران پستا تنگ نمود و آن ها را مجبور به استعفا و عزیمت به تهران کرد. این اوضاع تا سال ۱۲۹۰ شمسی ادامه یافت. در این سال سید محمد علی حکیمی، مدیریت دبستان را بر عهده گرفت و سید فضل الله جلالی مقدم و شیخ مرتضی رسولی را وارد کادر آموزشی کرده و مدرسه را به کمک عده ای از معلمان دلسوز اداره کرد و تا سال ۱۲۹۵ شمسی که نخستین نماینده وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به نام سید علی ادیب اصفهانی از طرف اداره معارف مازندران به آمل آمد و مدرسه ملی اسلامی را به نام مدرسه مجانی نمره یک دولتی اعلام کرد و کلاس های پنجم و ششم را به آن افزود و سید محمد علی حکیمی را به عنوان رئیس دبستان و معلمان او را در همان دبستان ابقا کرد.

بعد از استقرار طایفه اسک در محله اسپه کلا، عده ای تصمیم گرفتند که برای تعلیم و تربیت، مکانی را به این امر اختصاص دهند که قبلاً به صورت مکتب خانه در حسینیه یا تکیه اسک اداره می شد. سرانجام با مشورت بزرگان و معتمدین، دومین مدرسه شهر آمل در سال ۱۲۹۳ شمسی توسط میرزا داود اسکی به نام مدرسه شرافت با چهار کلاس درس در تکیه اسک تأسیس گردید.

با توجه به رشد جمعیت شهری و اسکان طوایف مختلف در اسپه کلا مدرسه سازی در این منطقه توسعه یافت و تکیه اسک از حالت آموزشی به مکانی مذهبی و فرهنگی مبدل گردید. بعد از فوت میرزا داود اسکی، پسرش فرزین تا سال ۱۳۰۶ این مدرسه را اداره می کرد. در همین سال با موافقت جناب فرزین دو کلاس مدرسه ملی دولتی گردید و ماهیانه مبلغی اعتبار از طرف اداره فرهنگ به آن کمک می شد.

در سال ۱۳۰۸ چون اداره فرهنگ اجتماع دو مدرسه ملی (غیر دولتی) و دولتی را در یک محل مناسب ندید، دستور داد که مدرسه ملی از دولتی جدا شود. جناب فرزین ناچار مدرسه ملی را از دولتی تفکیک و در حیاط اجاره ای جداگانه به سرپرستی محمد علی محمد دانشمند دایر نمود. از همین جا نام مدرسه دولتی به فرهنگ تغییر یافت و در سال های بعد کلاس پنجم و ششم در آن دایر گردید.

در سال ۱۳۰۴ شمسی با دعوت بانو بتول و مساعدت خیرین شهر، مدرسه ملی دخترانه سه کلاسه با مدیریت او در سبزه میدان تأسیس گردید. بعد از بانو بتول مقیمی در سال ۱۳۰۶ خانم کوچک حجازی عهده دار مسئولیت این مدرسه شدند و نام این مدرسه به دبستان دوشیزگان تغییر یافت. این مدرسه در سال ۱۳۰۸ توسط اداره فرهنگ، دولتی شد و سال بعد نام دبستان از دوشیزگان به شاهدخت تبدیل شد. با گسترش شهر و افزایش جمعیت و ضرورت های اجتماعی، تقاضا برای تحصیل علم و دانش در دهه های ۲۰ و ۳۰، ساخت مدارس جدید را شتاب بخشید. بالاخره در دهه ۴۵ ساخت مدارس جدید در روستاها و گوشه و کنار شهر سرعت بیشتری می گیرد.

یکی از مهم ترین و زیباترین بناهای آموزشی قدیمی آمل که نماد مدارس جدید می باشد و همچنان باقی است دبیرستان دولتی پهلوی است که بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی به دبیرستان امام خمینی تغییر نام پیدا کرده است. این دبیرستان در دوران ریاست جعفر قلی نوایی در آمل شروع و رسماً در سال ۱۳۱۶ شمسی افتتاح گردید.

از جمله دبیرستان های قدیمی دخترانه، دبیرستان ملک زاده می باشد که در سال ۱۳۳۴ تأسیس شد. زمین آن اهدایی علی اصغر و علی اکبر ملک زاده بود که به نام اهدا کنندگان نامگذاری شد که در زمان خود، تنها دبیرستان دخترانه آمل بود.

دبیرستان شریعت زاده از دیگر دبیرستان های شهر آمل است که اهدایی هادی شریعت زاده بود و در سال ۱۳۳۵ تأسیس شد. دبیرستان پهلوی (امام خمینی) مختص علوم طبیعی (تجربی) بود و این دبیرستان مختص رشته ی ادبی بود.

دبیرستان پسرانه طبری در سال ۱۳۳۸ شمسی تأسیس شد و تا سال ۱۳۵۷ مدیریت آن بر عهده ناصر ملک زاده بود. این دبیرستان مختص رشته ریاضی بود.

به دنبال تغییر نظام آموزشی و ایجاد دوره سه ساله راهنمایی بعد از دوره ابتدایی، از سال ۱۳۵۰ شمسی مدارس راهنمایی نیز در آمل تأسیس شدند.

در کنار مدارس آمل و روستاهای اطراف، کم و بیش مکتب خانه های قدیمی نیز وجود داشتند و تا دهه ۵۰ فعال بودند که کودکان قبل از دبستان، قرآن، مختصری از احکام و عقاید را در آن جا فرا می گرفتند. علاوه بر مدارس دولتی، مدارس ملی (غیر دولتی) مجوز فعالیت گرفتند و در راستای اصول و مقررات نظام نوین مشغول به آموزش بودند.

پس از استقرار حکومت جمهوری اسلامی ایران، در همان دوران اولیه شکل گیری خود، نهضت سوادآموزی را تشکیل داد و افرادی به روستاهایی که فاقد مدرسه بودند و یا افرادی که به دلایلی موفق نشدند آموزش ببینند، اعزام نمود که به تعلیم و تربیت بپردازند و تاکنون نهضت سوادآموزی و آموزش و پرورش در سطح آمل و نقاط دیگر مشغول به کار هستند.

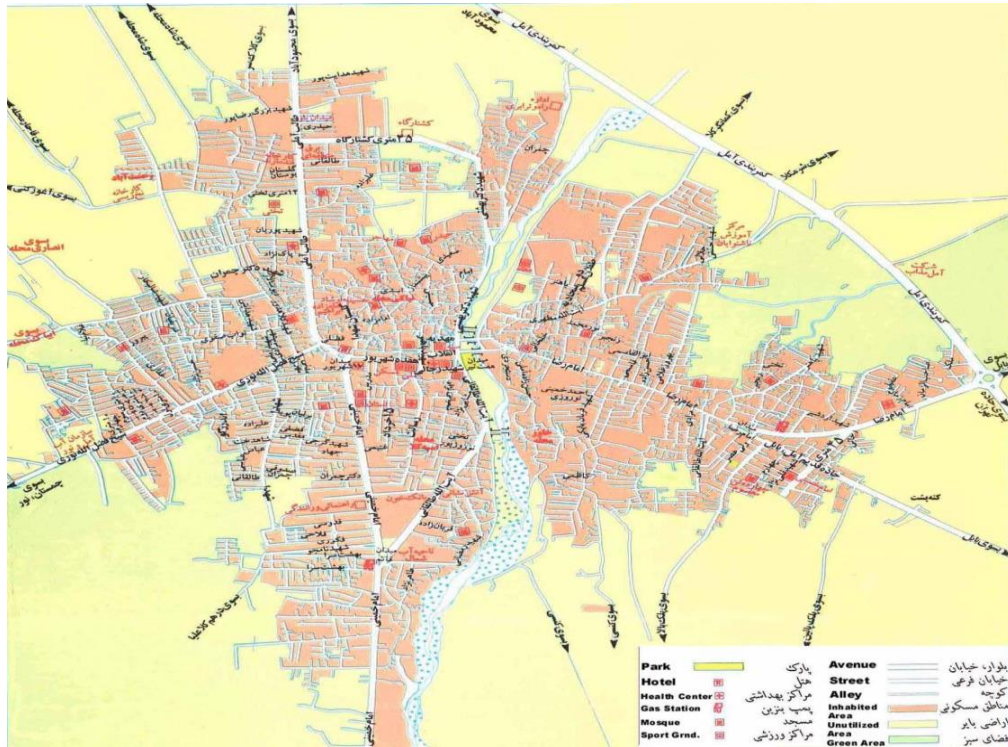
سبک معماری مدارس آمل، همان سبک ساخت و معماری مساجد و تکایای این دیار بود و مدارس در دوره های قبل، گلی ساخته می شد و سپس با به روی کار آمدن آجر، از آجر ساخته می شدند.

ابتدا مدارس به صورت ساختمان هایی که دارای چند اتاق ممتد و ایوان طویل مشترک در گوشه از زمین احداث می شد و معمولاً ارتفاع ایوان و کلاس ها به یک یا دو پله محدود می شد. ولی در زمان های بعد، سبک معماری تغییر یافته و ایوان در وسط و چند کلاس در دو طرف آن قرار می گرفت. ایوان ها سرپوشیده شدند و در برگزاری امتحانات از آن ها استفاده می شد.

معلمان مکتبی، پس از پایان دوره آموزشی، به عنوان حق الزحمه هدایا و خلعت هایی از دانش آموزان آملی دریافت می کردند ولی معلمان سپاه دانش و آموزش و پرورش، از طرف دولت حقوق دریافت می کردند و حقوق معلمان نهضت سوادآموزی نیز از طرف کمک های مردمی و دولت پرداخت می شد.

یر و یور:

آمل به واسطه رودخانه هراز به دو قسمت غربی و شرقی تقسیم می شود:
اگر فرد در هر طرف رودخانه باشد همان طرف اصطلاح "یر" و طرف دیگر "یور" می شود. اما در فرهنگ مردم آمل یر سمت غرب رودخانه هراز و یور به سمت شرق آن اطلاق می شود.



منطقه آمل و روستاهای آن، وسعت هر دو طرف رودخانه را شامل می شود. تفاوت فرهنگی قابل ملاحظه ای بین این دو قسمت وجود داشته استف به طوری که عامل بروز اختلافات و تنازعات در طی زمان شده است.

از زمان های قدیم محل استقرار طایفه هایی که از کوه به دامنه و شهر کوچ می کردند، منطقه یر و یا غرب آمل بوده است. صنایع و بازار، مراکز آموزشی و فرهنگی هم در حال حاضر در غرب هراز جای دارد.

به واسطه یر آمل از طریق جاده هراز، محمودآباد و نور به شهرهای دیگر دسترسی دارد. قدیمی ترین پل باقی مانده بین دو قسمت شهر به زمان صفویان منسوب می شود که در حال حاضر چندین پل بر روی رودخانه احداث شده است.

شهر شرقی مورد تاخت و تاز مهاجمینی که از سمت شرق می آمدند مثل مغول ها، خراسانی ها، افغان ها و ... قرار می گرفته است و رودخانه هراز محافظ بخش غربی آمل می شده است.

فضای یور بیشتر شامل بافت روستایی می شد و افزایش پل های احداث شده بر روی رودخانه، شرایط ارتباط بین دو قسمت شهر را بهتر کرد و در طی زمان موجب شد که روستاها متراکم تر و رفت و آمد بین دو قسمت شهر بیشتر شود و در شرق آمل ترکیبی از بافت نو و قدیمی و جمعیت فشرده و شهرسازی دوگانه شکل بگیرد.



روند تغییر شهر:

ساختار قدیمی شهر آمل بدین صورت بود که هر یک از طوایف و مهاجرین، یک محله و منطقه شهر را به خود اختصاص داده و از نظر فرهنگی، اجتماعی و روانی به یکدیگر وابسته و همبسته هستند. هر یک مسجد، حمام، تکیه، قبرستان و آب انبار مخصوص خود را داشته اند و منطقه ای بسیار محدود در حاشیه شهر، توقفگاه کولی های بود.

قبل از سال ۱۳۰۴، مراکز اداری، دیوانی، مرکز بازار، راه های تهران و کناره در غرب شهر قرار داشتند.

در زمان پهلوی اول، شرق آمل به مرکز اداری و انتظامی مبدل شد اما به مرور زمان، با گسترش شهر تمرکز اداری در شرق مشکلات جدی برای شهر پدید آورد. مشکل ترافیک سنگین بروز و در نتیجه تمرکز ادارات و مدارس از مرکز شهر خارج شد.

در حال حاضر، کم عرض بودن خیابان ها، ترافیک سنگین هنگام هجوم مسافران و فقدان هتل های نوین جهت اسکان مسافران، نمونه ای از ضعف خدمات شهری آمل محسوب می شد. شاخصه دیگر بر چیده شدن صنایع قدیمی شهر است.

با تعطیلی برخی از صنایع مانند کارخانه قند، کارگاه های نمد مالی و توپ سازی تأسیس شده در عهد نادرشاه، امور صنعتی به شهرک های صنعتی منتقل شده و کارخانه های آجرپزی اطراف شهر هم به دلیل عدم صرفه با جایگزینی فناوری های جدید در حال تعطیل شدن هستند.

در محلات طایفه ای گذشته، غنی و فقیر در کنار هم زندگی می کردند، اکنون مناطق شهری به قشرهای مختلف واگذار شده و در گذشته بازرگانان مالک ساختمان های بزرگ و مالکین هم اقدام به تزیین خانه های خود می کردند.

خدمات شهری و شهرسازی نوین به محلات قادی محله و پایین باز سیما و اعتبار جدیدی بخشیده است.

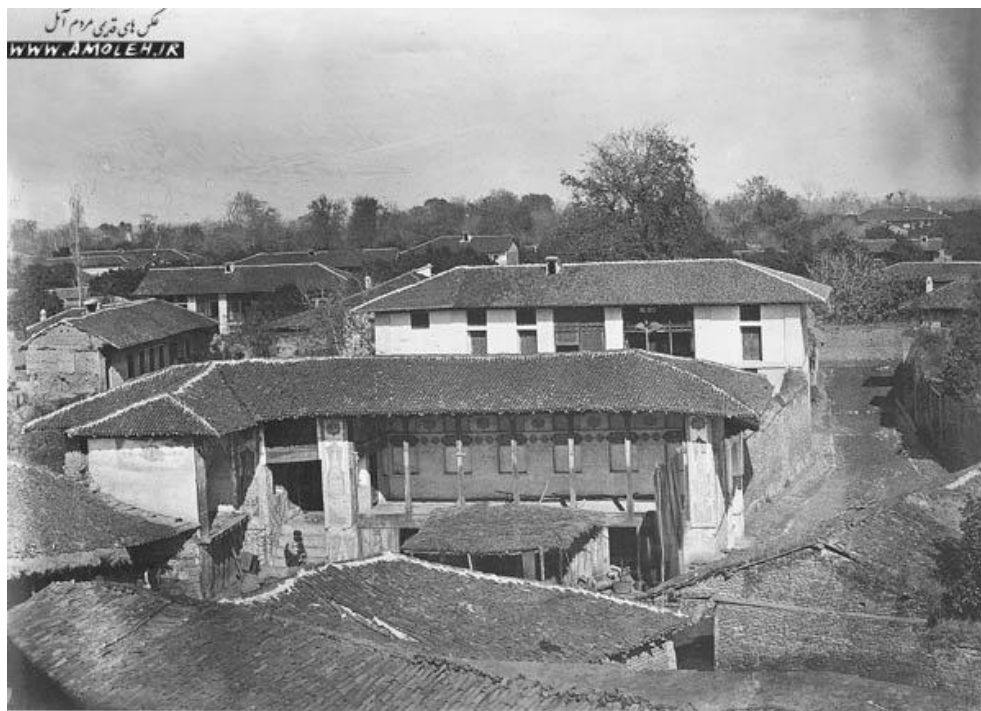
محلات قدیمی غرب شهر، تقریباً از جمعیت خالی و یا تبدیل به انبار، پارکینگ و... شده اند. محلات قدیمی با نیاز نسل جدید سازگاری ندارد. (نوع بنا، محیط امکانات و دسترسی به خدمات)

جمعیت از بین عرض کوچه و امکان خدمات شهری با نیاز نسل جدید سازگاری ندارد و شرق آمل ترکیبی از بافت نو و قدیمی، جمعیت فشرده و شهرسازی دوگانه است.

با گسترش شهر، بناهای مسکونی و کارخانجات در دل طبیعت، حاشیه های زیبای شهر تخریب و در شهر و پیرامون آن، محلی برای توزیع مردم وجود ندارد.

در بخش جنوبی تا جاده کمربندی امتداد و بناهای مسکونی تا آنجا پیش رفته اند که نقطه حایل شهر قدیم و روستاها را از بین برده و حریم شهر را به مخاطره انداخته است که علت آن موقعیت مطلوب جنوب آمل به خاطر نزدیکی به دامنه جنگل و گرایش به لاریجان، دماوند، فیروزکوه و تهران بوده است.

بافت روستایی سنتی تغییر کرده و ساخت و سازهای نوین آغاز گردیده و ساختمان ها را با بلوک بنا کرده اند و این امر مانع رفت و آمد حیوانات اهلی و وحشی به حیاط خانه روستاییان شده است.



در حال حاضر آمل، با وسعت ۳۲ کیلومتر مربعی و جمعیت ۴۰۰ هزار نفری در صورت مداخله نکردن خردمندان در ساختار شهری، گسترش نامناسبی را در پیش خواهد داشت.

راهکارهایی را که می توان برای ساماندهی مناسب شهری ارائه داد، به شرح زیر است:

- کنترل حریم شهری، محاسبه سکونتگاه ها و برنامه شهری و تطبیق با حداقل های موجود

- کانونی شدن اغلب روستا ها و ایجاد روابط معقول میان کانون و پیرامون

- بهره برداری از زمین در شهر آمل و روستاهایی که زمین و تولید در آن اهمیت زیادی دارد

- لحاظ کردن بهسازی اجتماعی در برنامه ریزی ها

- توجه به مناطق باستانی، منظرگاهی و اقتصادی

- توجه به برنامه توسعه راه ها و ارتباط میان راه ها

- حفظ طبیعت و پوشش گیاهی مانند سرکوه ها، دامنه ها و بندها

- شناخت فرهنگ منطقه ای، محیط زیست اجتماعی

- آگاهی از جمعیت و نرخ رشد و مهاجرت

- تعیین مکان های بهینه به واسطه تمرکز بخشی و دسته بندی

- درک علمی صحیح از آمایش و ارتباط آبادی ها با شهر و جمعیت و خدمات

- ایجاد کانون های فرهنگی فرهنگ ساز، نهادهای اجتماعی، مسائل خانواده ها، فرهنگی و آموزشی

- دخیل کردن هنر در سلیقه های فردی و جمعی

- توجه به صنایع دستی بومی و ظرفیت و استعداد ها

- بررسی موانع دستیابی برای ایجاد شرایط مناسب شهری و روستایی

مراکز فرهنگی و انتشارات شهر آمل:

مراکز فرهنگی، هنری، مذهبی، انتشارات قرآنی و انجمن های فرهنگی و هنری تحت پوشش اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان آمل:

- ۱- چاپخانه ها: ۵۰ مورد
 - ۲- کانون های تبلیغاتی: ۴۵ مورد
 - ۳- موسسات فرهنگی و هنری: ۴۵ مورد
 - ۴- انتشارات: ۱۹ مورد
 - ۵- موسسات قرآن و عترت: ۸ مورد
 - ۶- کانون های فرهنگی و هنری فعال در مساجد: ۱۱۵ مورد
 - ۷- آموزشگاه های آزاد هنری: ۴۴ مورد
- به تفکیک شامل:

- آموزشگاه خوشنویسی: ۳ مورد
 - آموزشگاه موسیقی: ۱۶ مورد
 - آموزشگاه هنرهای تجسمی و نقاشی: ۲۳ مورد
 - آموزشگاه تئاتر و نمایش: ۱ مورد
 - آموزشگاه عکاسی: ۱ مورد
 - ۸- مراکز عرضه محصولات فرهنگی و هنری (بازی های رایانه ایی و ویدئو کلپ): ۴۵ مورد
 - ۹-سالن سینما: ۲ مورد
 - ۱۰-مجتمع فرهنگی و هنری فعال: ۲ مورد
- به تفکیک شامل:
- مجتمع فرهنگی و هنری امام خمینی (ره)

-مجتمع فرهنگی و هنری ولی عصر (عج)

۱۱- گروه های هنری تئاتر : ۶ مورد

۱۲- انجمن های فرهنگی و هنری فعال : ۷ مورد

به تفکیک شامل:

- انجمن خوشنویسان
- انجمن ادبیات داستانی
- انجمن هنرهای تجسمی
- انجمن شعر و ادب
- انجمن بوم و سرود و هنر
- انجمن عکاسان
- انجمن خبرنگاران
- ۱۳- شورای راهبردی : ۲ مورد

به تفکیک شامل:

- شورای راهبردی موسیقی
- شورای راهبردی تئاتر
- ۱۴- نشریات و مطبوعاتی که فقط بصورت دوهفته نامه چاپ و منتشر می شوند: ۷ مورد

به تفکیک شامل:

آوای کمال-ویهان - صبح آمل- بیداری اندیشه -پیام آمل - اخبار مازندران - هراز امروز

۱۵- سایت های خبری و اطلاع رسانی : ۹ مورد

به تفکیک شامل:

آملی ها- پیام آمارد- خبر ۲۴- سفیر هراز- کاسپین ۲۴- کرات آملی - کمال آنلاین- هرازیوز-
مازندرانه

منابع:

- تاریخ آموزش و پرورش شهرستان آمل، نصرالله هومند- انتشارات طالب آملی ۱۳۹۶
- تاریخ و جغرافیای سرزمین های غرب آمل، رشید محمدی لیتکوهی- نشر اخیان ۱۳۸۶
- جامعه شناسی تاریخی آمل، ناصر سعیدی شاهاندشتی-انتشارات ساغرسازان ۱۳۹۱
- فرهنگ عوام مردم آمل، مهدی پرتوی آملی-انتشارات مرکز مردم شناسی ایران ۱۳۵۸
- تاریخ مازندران باستان، طیار یزدان پناه لموکی- نشر چشمه ۱۳۸۵
- اسک در گذر تاریخ، مصطفی راعی- انتشارات تهران ۱۳۸۴
- تاریخ مازندران، اسماعیل مهجوری-انتشارات توس ۱۳۸۱
- آمل قلب مازندران(مجموعه عکس) قدرت الله حسن زاده-انتشارات وزارت ارشاد ۱۳۹۱